

معروفی بلخی

ابو عبدالله محمد فرزند حسن بلخی تاجیک تبار آریان ، از شاعران عهد سامانی و مداح امیر رشید عبدالملک فرزند نوح (343 - 350 ه.ق.) بوده بنابراین در نیمه اول قرن چهارم میزیسته . (1)
چند نمونه از اشعار او را نقل می کنیم :

ای آنکه مرعدو را صبری و حظلی
وی آنکه مرولی را شهدی و شکری
آنجا که پیش بینی باید موفقی
و آنجا که پیش دستی باید مظفّری

دوست با قامت چون سرو بمن بر بگذشت
تازه گشتم چو گل و تازه شد آن مهر قدیم
می بر ساعدش از ساتگنی سایه فگند
گفتی از لاله پیشزستی بر ماهی شیم (2)
و آن دو زلفین بر آن عارض اوگویی راست
بر گل خیربست از غالیه سرتاسر سیم
گشت پر کشت سیه جعد چو عین اندر عین
گشت پرتاب سیه زلف چو جیم اندر جیم
مردمان گویند این عشق سلیم است آری
بزبان عربی مار گزیدست سلیم
من همی خندم جایی که حدیث تو کنند
و اندرون دل دردی که هوالله علیم (3)

این دل مسکین من اسیر هوا شد
پیش هزاران هزار گونه بلا شد

جادو کی بند کرد و حیلنت برما
بندش بر ما برفت و حیلہ روا شد

حکم قضا بود، وین قضا به دلم بر
محکم از آن شد که یار یار قضا شد

هر چه بگویم زمن نگر که نگیری
عقل جدا شد زمن که یار جدا شد

- 1 - لباب الالباب ، عوفی ، جلد 2 ، ص 16 . فرهنگ معین ، ج 6 ، ص 1997.
- 2- ترجمان البلاغة ، (چاپ استانبول 1949 م .) ص 44 .
- 3 - لباب الالباب ، عوفی ، جلد 2 ، ص 16 .
- تاریخ ادبیات در ایران ، ذبیح الله صفا ، ص 420 .